



جامعه دست به دست هم دهند. در این رویکرد، دولت، سازمان‌های غیردولتی، بخش خصوصی و مردم باید با یکدیگر همکاری کنند تا زمینه‌های بروز تروریسم را شناسایی کرده و از بین ببرند. این همکاری می‌تواند در زمینه‌های مختلفی مانند آموزش، اشتغال، توسعه اقتصادی و غیره انجام شود. در رویکرد جدید دیگری که رویکرد پیشگیرانه نامیده می‌شود، بر اهمیت پیشگیری از وقوع تروریسم تأکید می‌شود. این رویکرد معتقد است که برای مقابله مؤثر با این پدیده‌ها، لازم است که زمینه‌های بروز آنها را شناسایی کرده و از بین برد.

به نظری رسد جمهوری اسلام در پی تفاهم با پاکستان با تشکیل بازارچه‌های مرزی مشترک در روند بهبود وضعیت اقتصادی مناطق شرقی کشور چاره جویی کرده است. نظر شما چیست؟

بله؛ بر اساس چنین رویکردهایی تلاش می‌شود تا تمام عوامل کوچک و بزرگ زمینه‌ساز تروریسم و شورش‌گری مانند فقر، بیکاری، تبعیض و نابرابری شناسایی و از بین برده شوند. این کار می‌تواند از طریق اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی، اصلاح قوانین و مقررات و برخورد با تبعیض و نابرابری انجام شود. همانگونه که مشخص است در این رویکردها بر اهمیت مشارکت مردمی در مقابله با تروریسم تأکید می‌شود چرا که بر اساس رهیافت‌های جدید مردم و خاصه نخبگان مردمی نقشی کلیدی در شناسایی و مقابله با عوامل زمینه‌ساز تروریسم دارند. لذا در رابطه با مبارزه مؤثر با تروریسم در کشورمان نیز بایستی به شکل جدی در پی افزایش مشارکت و نقش‌آفرینی مردم به عنوان بخشی از جامعه مدنی، در شناسایی و مقابله با عوامل زمینه‌ساز تروریسم بود. این مشارکت می‌تواند از طریق آموزش، آگاهی بخشی و ایجاد ظرفیت‌های لازم برای مردم انجام شود؛ به طور مثال استان سیستان و بلوچستان دارای ظرفیت‌های بی‌بدیل طبیعی و انسانی گردشگری است که می‌تواند منجر به خلق میلیون‌ها دلار درآمد برای مردم این استان شود. لذا توسعه آموزش‌ها در این حوزه و فراهم کردن زمینه شکل‌گیری تشکل‌های مردمی گردشگری در این استان علاوه بر کارآفرینی برای انبوه جوانان موجب رونق اقتصادی و شکل‌گیری امنیت مردم پایه در این استان خواهد شد. ایستادن به این نکته توجه داشت که استان سیستان و بلوچستان یکی از استان‌های نخبه‌پرور و عزیز ایران اسلامی است، لذا می‌توان با اندکی تدبیر ظرفیت‌های نخبگانی این استان را توسعه داد و تشکل‌های مردمی تروریسم را به کار گرفت و این استان را در مدار توسعه اقتصادی و تبدیل شدن به یکی از شاهراه‌های اقتصادی کشور پیش برد. در این رابطه و به عنوان یک راهکار اصولی و اساسی ضدتروریسم می‌توان پیشنهاد کرد که توسعه هر چه سریعتر منطقه مکران با محوریت بندر چابهار که مورد تأکید رهبر معظم انقلاب هم هست، مورد توجه قرار گیرد. در رابطه با حادثه اخیر راسک ذکر این نکته ضروری است که نهادهای اقتدار آفرین باید به اهمیت تصویرسازی حرفه‌ای بیش از پیش توجه داشته باشند چراکه نحوه اطلاع‌رسانی و نوع مدیریت صحنه در این حوزه خصوصاً پیدایش وقوع یک حادثه تروریستی نیازمند هوشمندی و توجه بیشتر در همه‌جانبه‌تر مدیریت صحنه است و باید دست‌اندرکاران دلسوز توجه ویژه‌ای به اهمیت نحوه بهره‌برداری از ظرفیت رسانه داشته باشند و به اصولی‌ترین شکل از ظرفیت رسانه برای نمایش اقتدار کشور بهره‌برند تا این دست انعکاس‌های بازدارندگی خود کارکرد مؤثری در زمینه بازدارندگی داشته باشد.

**گروهک‌های تروریستی مانند جیش العدل اگر چه دارای رفتار و منشی داعشی هستند اما مأموریت و کار ویژه آنها به طور خاص در حوزه تهدید ثبات و امنیت مناطق مرزی و شکل‌دهی تنش‌های قومی و مذهبی تعریف شده است تا به واسطه این دست تهدیدآفرینی‌ها امکان توسعه جنوب شرق کشور ممکن نشود و به طور مثال کلان‌پروژه بندر چابهار به رقیبی برای بنادر دیگر کشورهای منطقه بدل نگردد**



عکس: فضای مجازی

# «ایران» در گفت‌وگو با نوید کمالی، پژوهشگر امنیت ملی ابعاد حمله تروریستی به «راسک» را بررسی می‌کند

## ضرورت به کارگیری رویکردهای نوین ضد تروریسم

گفت‌وگو

صهیونیستی خواهد داشت! علاوه بر این بنا بر اساس اسناد و اطلاعات افشا شده از اهداف و مأموریت‌های سرویس‌های اطلاعاتی امریکایی و صهیونیستی در قبال کشورمان، این سرویس‌ها در طول دهه‌های اخیر خصوصاً دهه نود خورشیدی به طور جدی در راستای اهدافی ازجمله تضعیف جمهوری اسلامی ایران، فراهم کردن زمینه تغییر نظام و تضعیف نقش آفرینی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای کشورمان سرمایه‌گذاری کرده‌اند که خلق گروهک جیش العدل محصول همین هدف‌گذاری است.

یکی از حوزه‌های نفوذ و طراحی عملیات تروریستی این گروه‌ها کشور پاکستان است و این در حالی است که تهران و اسلام‌آباد در زمینه همکاری‌های امنیتی به تفاهماتی دست یافته‌اند. اما به نظر می‌رسد زمینه‌های اجرای این تفاهمات چنان که باید فراهم نیست.

در سال‌های اخیر، پاکستان تلاش‌هایی برای بهبود امنیت مرزها انجام داده است. این اقدامات شامل تقویت نیروهای امنیتی، ایجاد زیرساخت‌های امنیتی و همکاری با کشورمان در زمینه مبارزه با تروریسم است. بدین شک مرزها نقش کلیدی و مهمی در تأمین و تضمین امنیت کشورها دارند. در رابطه با امنیت مرزی در استان سیستان و بلوچستان بایستی به این نکته توجه داشت که این استان دارای بیش از ۹۰۰ کیلومتر مرز زمینی مشترک با کشور پاکستان است، لذا سودجویان و گروهک‌هایی مانند جیش العدل با سوءاستفاده از برخی خلأهای نظارتی دست به جابه‌جایی در دو سوی مرز می‌زنند و این‌گونه به حیات ناشروع خود و تداوم

منطبق بر شرایط زمانه در سیاست‌های ضد تروریسم صورت پذیرد. همانگونه که رهبر معظم انقلاب در سخنرانی مراسم رحلت امام (ره) فرمودند، در دوران هوش باید ابزارها متناسب با زمان انتخاب شوند. در رابطه با سیاست‌های ضدتروریسمی نیز بایستی به این نکته توجه کرد که در عصر هوش مصنوعی و فراگیری رسانه‌های اجتماعی، مبارزه با تروریسم نیز بایستی روزآمدسازی شده و متناسب با شرایط زمانه متحول گردد.

به همین دلیل در سال‌های اخیر، رویکردهای جهانی جدیدی در حوزه ضدتروریسم (Counter terrorism) مطرح شده است. در گذشته رویکردهای سنتی و مبتنی بر مقابله نظامی و امنیتی با تهدیدات تروریستی در سطح جهان مورد توجه بودند اما در رهیافت‌های جدید عوامل غیرنظامی و نرم مانند توسعه اقتصادی و اجتماعی و آموزشی در مقابله با تروریسم و خشکاندن ریشه‌های آن اولویت یافته‌اند. به عبارت بهتر در عصر جدید مبارزه با تروریسم دارای دو بازوی سخت و نرم بوده و در قالبی ترکیبی به ففع تروریسم می‌پردازد. به طور مثال یکی از رویکردهای جدید در حوزه ضدتروریسم تأکید بر اهمیت و ضرورت همکاری بین بخش‌های مختلف دولتی، مدنی و خصوصی است. این رویکرد معتقد است که برای مقابله مؤثر با تروریسم و شورش‌گری لازم است که تمام بخش‌های

وقوع حادثه تلخ تروریستی گروهک جیش العدل (ظلم) علیه پایگاه انتظامی «راسک» در استان سیستان و بلوچستان که به شهادت و زخمی شدن شماری از مأموران نیروی انتظامی انجامید، نشان داد که شاخه‌های گروه‌های تروریستی منطقه همچنان در حال طراحی و انجام حملات مسلحانه با هدف ناامنی و بی‌ثباتی در نواحی مرزی ایران هستند. «ایران» در گفت‌وگو با نوید کمالی، پژوهشگر سیاست خارجی به بررسی ابعاد این حمله تروریستی و زمینه‌های شکل‌گیری آن پرداخته است.

حمله اخیر تروریستی جیش العدل (ظلم) به منطقه «راسک» نشان داد که منطقه سیستان و بلوچستان همچنان در معرض حملات و تهدیدات امنیتی گروه‌های تروریستی است. این حملات با چه هدفی از سوی این گروه‌های تروریستی انجام می‌شود؟

گروهک تروریستی جیش العدل ازجمله گروه‌های تروریستی تجزیه‌طلبی است که در طول قریب به یک‌دهه اخیر از طریق اجرای حملات تروریستی به دنبال تهدیدآفرینی علیه امنیت ملی و وارد کردن خدشه به ثبات کشور بوده است. با نگاهی به تاریخ اقدامات تروریستی شاخص این گروهک و بررسی تحركات تبلیغی و رسانه‌ای آن می‌توان به خوبی به این نکته دست یافت که جیش العدل از طریق طراحی و انجام حملات مسلحانه به اهداف مختلف به دنبال ایجاد ناآرامی و بی‌ثباتی در استان سیستان و بلوچستان است. سرکردگان حامیان پشت‌پرده این گروهک معتقدند که با ایجاد ناآرامی‌ها می‌توان فشار ترکیبی مؤثری را علیه جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرد. پرواضح است که استعداد

تهدیدآفرینی جیش العدل نشأت گرفته از حمایت‌های سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی معارضی است که در چهارچوب سیاست‌های قدرت‌های فرامنطقه‌ای به دنبال شکل‌دهی بحران در داخل کشور و تضعیف سیاست‌های منطقه‌ای کشورمان خصوصاً در حوزه مقاومت هستند؛ به طور مثال حادثه تروریستی راسک در حالی رخ داد که توجهات جهانی به حوادث غزه و تحولات دریای سرخ جلب شده است، لذا می‌توان یکی از اهداف طراحی این اقدام خون‌بار را تلاش برای انحراف افکار عمومی از تحولات منطقه دانست. بایستی بر این نکته تأکید کرد که حوادث غزه و بحران انسانی شکل گرفته در این منطقه و همزمان تحركات مقاومت یمن در دفاع از مردم غزه، توجهات جهانی را معطوف به خود کرده و عملاً رژیم صهیونیستی و مهمترین پشتیبان آن یعنی ایالات متحده آمریکا را تحت فشار افکار عمومی جهان برای پذیرش شکست در قبال مقاومت فلسطین قرار داده است. البته واشنگتن و تل‌آویو به خوبی بر این نکته واقفند که پذیرش شکست آثار ژانبار و جبران ناپذیری برای آنها و خصوصاً سرنوشت وجودی رژیم

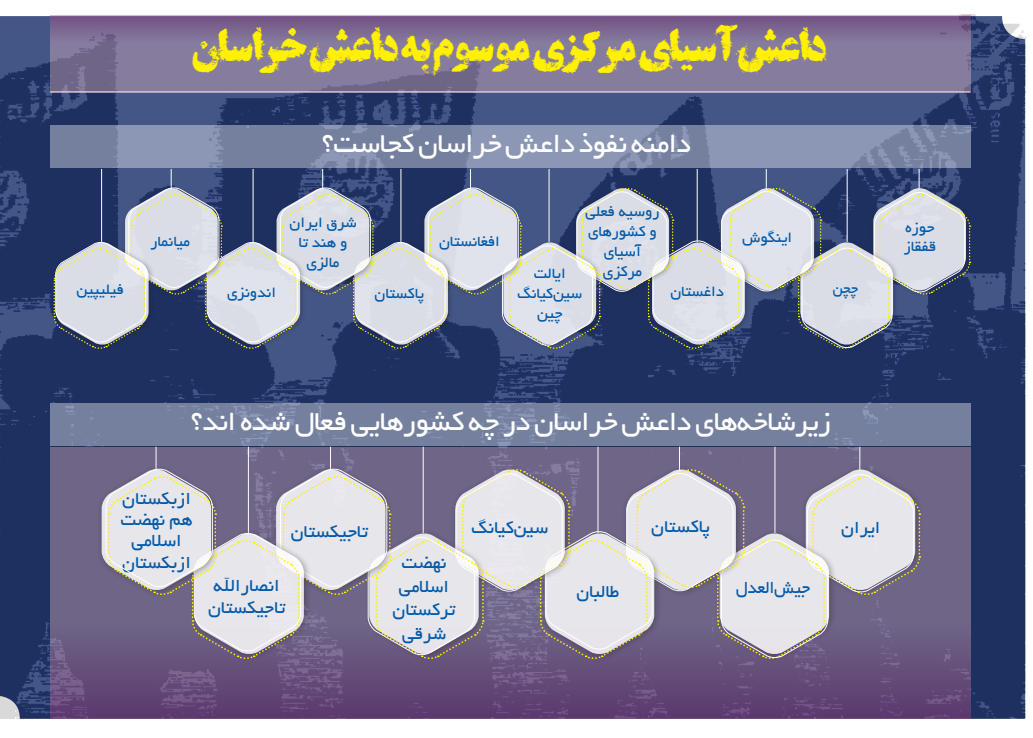
## تهدید فراملیتی «داعش خراسان»

بر اهداف اقتصادی و توسعه نفوذ سیاسی در منطقه، برخی نگرانی‌های امنیتی نیز به وجود آمد.

اشکار شدن تبار تکفیری جریان حمله‌کننده به «راسک» از شاخه «جیش‌العدل» ثابت می‌کند شاخه نوظهور گروه تروریستی داعش موسوم به «داعش خراسان»، ایران را در تیررس اهداف جدید خود قرار داده است. در همین راستا رهبری داعش‌نمایی از قومیت‌های آسیای مرکزی مانند چین و نهضت اسلامی ترکستان شرقی، دستور کار جدید خود را در تبدیل کشورهای هدف به امارت اسلامی تعریف کرده‌اند تا در پی ادغام این امارت‌ها، خلافت اسلامی بزرگ را تشکیل دهند.

وقوع حمله به مقرر انتظامی «راسک» و چندین حملات تروریستی مشابه در ایران که از جمله نمونه‌های آن حمله سال گذشته به شاه‌چراغ شیراز بود و گروه «داعش خراسان» مسئولیت آن را برعهده گرفت، نشان می‌دهد رشد و قدرت‌گیری گروه‌های تکفیری آسیای مرکزی که اکنون در بستر تحولات آسیای مرکزی تا مرز گروه‌های پیچیده پیش‌رفته‌اند، به تحركات خود شتاب داده و عملکرد خود را بیش از پیش ساماندهی کرده‌اند.

**داعش خراسان» در این مناطق اقدام به جذب شبه‌نظامیان تاجیک و ازبک داخل افغانستان کرد و همین شبه‌نظامیان قومی، امکان نفوذ فراتر از مرزهای افغانستان و در کشورهای آسیای مرکزی را برای «داعش خراسان» فراهم کردند**



حمله خونین تروریستی به مقرر انتظامی شهرستان «راسک» که به شهادت ۱۱ مأمور انتظامی و البته به هلاکت رسیدن تعدادی از تروریست‌ها در جریان درگیری منجر شد، بخش جدیدی از سناریوی جریان‌های معاند بود تا فرصتی برای ناامنی و بی‌ثباتی در مرزهای شرقی و جنوب‌شرقی کشور بیافرینند. گروه تروریستی «جیش‌الظلم» که مسئولیت حمله به پایگاه انتظامی راسک را پذیرفته، بخشی از بدنه جریان تروریستی «خلافت‌گرا» است که «داعش» مدعی شماره یک آن به حساب می‌آید؛ گروهی که به نظر می‌رسد همه تلاش خود را به کار گرفته تا فرصتی برای ایجاد تهدیدات امنیتی جدید و شکل دادن به جبهه جدید خود در جغرافیای مرکزی آسیا بنماید. این گروه تروریستی با اعضای از آسیای مرکزی، آسیای جنوبی و خاورمیانه برای نخستین‌بار از دل افغانستان و درست زمانی که داعش در سال ۲۰۱۵ فعالیت‌های تروریستی خود را در کشورهای همچون سوریه و عراق کلید زد، پا به عرصه گذاشت و اقدامات خود را در افغانستان و برخی از کشورهای آسیای میانه به اجرا درآورد. به موازات پدیدار شدن اختلاف میان طالبان که بار دیگر در افغانستان به

قدرت رسیده و آن دسته از اعضای «داعش خراسان» که داخل مرزهای افغانستان سکونت یافته بودند، اعضای این گروه با انگیزه دست‌یابی به هدفی که برای خود در گسترش فعالیت‌هایشان به سایر کشورهای منطقه ترسیم کرده بودند، به تدریج از شرق افغانستان خارج شده و در ولایات شمالی و غربی افغانستان نفوذ کردند. «داعش خراسان» در این مناطق اقدام به جذب شبه‌نظامیان تاجیک و ازبک داخل افغانستان کرد و همین شبه‌نظامیان قومی، امکان نفوذ فراتر از مرزهای افغانستان و در کشورهای آسیای مرکزی را برای «داعش خراسان» فراهم کردند.

از آنجایی که اعضای این گروه تسلط بر قلمرو خراسان تاریخی از جمله افغانستان و بخش‌هایی از کشورهای آسیای مرکزی و ایران را دنبال می‌کردند، نام «داعش خراسان» را بر خود گذاشتند و سطح جدیدی از تهدیدات منطقه‌ای را که به بیرون از افغانستان کشیده می‌شد، گشودند. در این میان برای بازگردان منطقه‌ای همچون ایران، ترکیه، روسیه و چین که در حاشیه و هم‌جوار با آسیای مرکزی شامل «ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قرقیزستان و قزاقستان» قرار داشتند، علاوه